

بررسی عوامل مؤثر در تنش‌زدایی در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی



سید محمدرضا موسوی^۱، احسان جعفری فر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

چکیده:

رابطه‌های ایران و عربستان در طول تاریخ روند پرفراز و فرودی از همکاری و رقابت‌های مسالمت‌آمیز تا خصومت و قطع رابطه به همراه داشته است. عوامل سیاسی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مسائل منطقه‌ای از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در روابط دو کشور بوده است و بازتاب این تعارض فراتر از روابط دوجانبه بر رویکرد سایر کشورها، سیاست‌ها و تحولات منطقه‌ای نیز متجلی شده است. با قطع روابط دو کشور از ۲۰۱۶ بر رقابت و تعارض دو کشور افزوده شد ولی در نهایت در یک‌روند رو به کاهش تنش‌زدایی با میانجیگری چین در سال ۲۰۲۳ رویکرد تنش‌زدایی در دستور کار قرار گرفت. از همین رو بررسی روند تنش‌زدایی روابط دو کشور در این پژوهش مورد توجه است. پرسش اصلی این است که عوامل مؤثر در تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان چه بوده است؟ برای بررسی موضوع تنش‌زدایی از چارچوب نظریه سازه‌انگاری بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان متأثر از تغییر ادراک دو بازیگر نسبت به مسائل مختلف بوده است که از یک‌سو تحت تأثیر تغییر ادراک در نظم منطقه‌ای بوده است که به ناکارآمدی سیستم تقابل دو کشور در منطقه، افول سیاست‌های آمریکا و تقویت نقش چین در منطقه اشاره دارد؛ از سوی دیگر تغییر ادراک نسبت به محیط استراتژیک رخ داده است که معادله امنیت دو کشور با حاصل جمع جبری صفر را به سمت بازی برد-برد پیش برده است و در نهایت بازتعریف منافع ملی برای در اولویت قرار دادن توسعه داخلی و عبور از سیاست‌های نظامی‌گری منطقه‌ای بر روند تنش‌زدایی دو کشور تأثیرگذار بوده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان اصلی: تنش‌زدایی، امنیت، غرب آسیا، ایران، عربستان، سازه‌انگاری.

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

Smr.mousavi@kut.ac.ir

^۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

ایران و عربستان سعودی دو بازیگر تأثیرگذار و قدرتمند منطقه غرب آسیا هستند که به واسطه ویژگی‌های بالقوه و بالفعل سیاسی، اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیک و نفوذ در بین کشورها و منطقه بر بسیاری از تحولات و رخداد‌های منطقه تأثیرگذار هستند. به همین دلیل روابط میان آن‌ها به دلیل اهمیتی که بر روی سایر بازیگران و کنشگران سیاسی و تحولات منطقه دارد هرگونه رابطه دوستانه یا خصمانه بین دو کشور می‌تواند بر بسیاری از معادلات سیاسی و امنیتی دیگری بازخورد داشته باشد. روابط دو کشور از سال ۱۹۲۹ آغاز شد ولی به سبب ویژگی‌های که ذکر آن رفت با فراز و نشیب‌های متفاوتی همراه بود که این روابط از همکاری و رقابت‌های مسالمت‌آمیز تا خصومت و قطع رابطه در نوسان بوده است. بازتاب روابط دو کشور بیش از هر زمان با قطع رابطه ملموس‌تر بوده است چراکه با قطع رابطه خصومت و تنش دو کشور نیز وارد مرحله جدیدی می‌شود. دو کشور سه بار قطع رابطه داشته‌اند اولین بار در سال ۱۹۴۳ و به دنبال اعلام تهران مبنی بر اعدام یک زائر ایرانی از سوی مقامات سعودی، روابط دو کشور قطع شد، اما پس از سه سال در سال ۱۹۴۶ دوباره روابط به حالت عادی بازگشت. بار دوم سال ۱۹۸۷ و در پی درگیری پلیس سعودی با حجاج ایرانی بود که در آن بیش از ۴۰۰ نفر که اکثرشان ایرانی بودند، کشته شدند. این بار از سرگیری روابط دو کشور چهار سال یعنی تا سال ۱۹۹۱ طول کشید. سومین دوره قطع روابط به اوایل سال ۲۰۱۶ و آتش زدن و حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری آن در مشهد بازمی‌گردد. (mehnews, 1401)؛ که در نهایت عربستان سعودی و ایران بر سر بازگرداندن روابط دیپلماتیک پس از هفت سال وقفه، در توافقی که در نشست در پکن، پایتخت چین، در ۱۰ مارس ۲۰۲۳ منعقد شد به توافق رسیدند.

حال در این پژوهش تلاش خواهد شد بدون آنکه به صورت دقیق به مؤلفه‌های تنش‌زایی بین ایران و عربستان پرداخته شود نسبت به تنش‌زدایی اخیر در روابط دو کشور توجه شود. از این منظر باید گفت اهمیت این پژوهش به سبب آن است که اولاً ایران و عربستان دو کشور تعیین‌کننده در منطقه غرب آسیا هستند و از سوی دیگر روابط تنش‌آلود آن‌ها بسیاری از تحولات منطقه را رقم‌زده یا بر آن‌ها تأثیرگذار بوده است. همچنین ناگفته نماند که راهبرد دو کشور برای تنش‌زدایی بر بسیاری از معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو کشور و منطقه به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار است. حال با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع تلاش خواهد شد تا مسئله تنش‌زدایی دو کشور به صورت دقیق‌تر پرداخته شود و به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل

مؤثر در تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان چه بوده است؟ از دیدگاه نگارندگان تأثیر ادراک دو کشور بر روند تنش‌زدایی مؤثر بوده است و از این رو با چارچوب نظریه سازه‌انگاری و به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری موضوع بررسی خواهد شد. فرضیه مطرح شده این است که تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان تحت تأثیر عوامل ادراکی در نظم منطقه‌ای، محیط استراتژیک و بازتعریف منافع ملی بوده است.

چارچوب نظری

نظریه سازه‌انگاری در اواخر دهه ۸۰ میلادی و در خلال دو مناظره علمی در رشته روابط بین‌الملل نو واقع‌گرایان و نئولبرالها و همچنین مناظره خردگرایان و نظریه‌پردازان انتقادی به وجود آمد. سازه‌انگاران معتقدند که هرج و مرج حاکم بر روابط بین‌الملل به دلیل تنوع و تکثر هنجارها و ارزش‌ها است. رهیافت و مکتب سازه‌انگاری همچنین بیان می‌دارد که بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبانی و تلقی‌های خویش که از هویت آن‌ها برآمده است دست به کنش و واکنش می‌زنند و در این تعامل، واقعیت را ساخته و خود در تعامل با واقعیت ساخته و پرداخته می‌گردند. بازتاب چنین تلقی در تبیین و توضیح رفتار سیاست خارجی یک کشور ظاهر می‌شود. از نظر سازه‌انگاران دولت به‌عنوان بازیگر وارد نظام بین‌الملل می‌شود و بسته به درجه درونی کردن هنجارهای بین‌الملل یکی از سه فرهنگ اقتدارگرایی هابزی (دشمن محوری)، لاکي (رقیب محوری) و کانتی (دوست محوری) را به نمایش می‌گذارد (رک جعفری فر و دادگستر، ۱۴۰۱: ۳۱). نظریه سازه‌انگاری با پایان جنگ سرد بیشتر مورد توجه قرار گرفت. فروپاشی شوروی علاوه بر ایجاد تغییر در ساختار نظام بین‌الملل موجب شکل‌گیری فضای جدید در مناطق جهان شد، این فضای جدید آرایش سیاسی متفاوتی از دوران جنگ سرد را به دنبال داشت که موجب جدید آمدن خلأ قدرت، وقوع جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای، خیزش هویت‌های خاص و اهمیت یافتن ارزش‌ها و هنجارها در مناسبات بین‌المللی شد. هرچند ساختار قدرت در دوران جنگ سرد مبتنی بر نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ آمریکا و شوروی بود ولی در دوره نوین با تغییرات اساسی نسبت به بازیگران روبرو شد. در این رهیافت برخلاف مکتب رئالیسم نقش عوامل مادی و معناگرایی رئالیسم سازه‌انگاری راهی میانه را برگزید که تلفیقی از دو بعد مادی و غیرمادی است (متقی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). یکی از مواردی که در سیاست کشورها بر اثر دیدگاه هابزی به وجود می‌آید تنش‌زدایی

و رقابت با یک بازیگری است که آن را دشمن می‌شمارد با این حال سازه‌انگاری بیان می‌کند با تغییر ادراک می‌توان الگوی هابزی را به سمت کاهش تنش میان دولت‌ها و حتی کانتی پیش برد. در این خصوص عوامل متعدد مادی و غیرمادی می‌توانند بر این روند تنش تأثیر گذاشته و روابط دو کشور را از سمت تنش‌زایی به سمت تنش‌زدایی پیش ببرند. البته گفتنی است که واژه تنش‌زدایی در اواخر دهه ۱۹۶۱ میلادی در عرف سیاست بین‌المللی رایج گردید. سیاست تنش‌زدایی ضمن قبول وجود نظام‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی متضاد، با بهره‌گیری از ضرورت تأمین امنیت منطقه‌ای و جهانی معتقد است که نباید اجازه داد اختلافات ایدئولوژیکی و تمایزات سیاسی بر روابط میان کشورها تأثیر بیش‌ازاندازه بگذارد. باید فضایی در روابط دوجانبه و چندجانبه شکل گیرد که تفاهم و اعتماد متقابل جایگزین ترس و سوءظن شود بدین‌سان برای کشورهای غرب آسیا لازم است که در پی تنش‌زدایی باشند که با الهام از اصول همزیستی، همکاری و همیاری با جوامع دیگر و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی، بر مسائل و مشکلات فائق آیند و با اتخاذ رویه‌ای واقع‌گرایانه در جهت سازگاری و انطباق هدفمند با محیط عملیاتی اقدام کنند. در این فرایند تلاش شوند که تا از طریق مفاهیم و منافع مشترک موضوعات منطقه‌ای و جهانی موردنظر موردبررسی قرار گیرند. همچنین فرایند تنش‌زدایی و اعتمادسازی متضمن اقداماتی جهت کاهش زمینه‌های ناامنی در منطقه و جهان است. فرایندی که در آن در طرف‌های درگیر باید ضمن گفتگو و شناسایی زمینه‌های تهدیدآمیز، از بازی حاصل جمع صفر خودداری کرد و به انگیزه و علائق و منافع یکدیگر احترام بگذارند و زمینه‌های تبدیل گرایش‌های تخصصی و رقابتی را به تمایلات همکاری و همیاری فراهم سازند (محقق، ۱۳۹۶: ۱۵۱). همان‌طور که گفته شد سازه‌انگاری به عوامل مادی و غیرمادی توجه دارد و از این رو می‌توان بیان داشت که در روند تنش‌زدایی در چارچوب اصول بنیادین در سازه‌انگاری توزیع قدرت بر محاسبات دولت‌ها تأثیر می‌گذارد اما چگونگی اقدام آن‌ها بستگی به درک و انتظارات از خود و دیگری دارد؛ بنابراین در رابطه با قدرت و توزیع آن درک و برداشت طرفین از یکدیگر مهم است و دولت‌ها منافع خود را در فرایند تعریف وضعیت خود و دیگری پیدا می‌کنند (جعفری فرو ذکاء دادگستر، ۱۴۰۱: ۴۲)

بررسی سیر زمانی وقایع تأثیرگذار در روابط بین ایران و عربستان سعودی

در ۲۴ اوت ۱۹۲۹، ایران و عربستان سعودی پیمان دوستی را امضا کردند که متضمن به رسمیت شناختن متقابل و برقراری روابط کامل دیپلماتیک بود (التورائفی، ۱۳۹۱). با این حال در طول دهه‌ها روابط دو کشور تحت تأثیر عوامل داخلی چون تغییر سیاستمداران، وضعیت اقتصادی، تغییر نظام سیاسی در ایران، گرایش‌های سیاسی و خارجی چون ساختار نظام بین‌الملل، تحولات منطقه، تأثیر قدرت‌های خارجی فرازوفرودهای متفاوتی را تجربه کرده است. در ادامه بررسی حوادث در تاریخ دو کشور به صورت دقیق‌تر آمده است:

تاریخ روابط دو کشور	سال	حوادث تأثیرگذار
مرحله اول	آغاز روابط	آغاز روابط سیاسی
	روابط مسالمت‌آمیز	بستن عهدنامه مودت و روابط به نسبت مسالمت‌آمیز
	دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	دوران افول (تزلزل) روابط - تعطیل کردن سفارت ایران در حجاز و نجد و کاهش سطح روابط دیپلماتیک - ممنوعیت حج به دلیل بی‌احترامی سعودی‌ها به زائران ایرانی
	قطع روابط سیاسی	قطع روابط سیاسی به دلیل اعدام زائر ایرانی توسط سعودی‌ها
آغاز روابط	۱۹۴۸	آغاز دوباره روابط سیاسی، ارسال نامه عبدالعزیز (پادشاه سعودی) مبنی بر برقراری
روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹	روابط مسالمت‌آمیز با کمترین تنش در روابط به جز دو مورد مناقشه یکی مناقشه بر سر نام خلیج فارس و دیگری مسئله بحرین که در هر دو مورد فقط در حد یک بیانیه مناقشه به پایان رسید.
مرحله دوم	دوران افول در روابط همراه	آغاز تنش در روابط با انقلاب اسلامی در ایران و راهبرد صدور انقلاب در منطقه از طرف ایران
		همکاری عربستان با آمریکا در واقعه طیس
		حمایت مالی و سیاسی عربستان از صدام حسین در جنگ با ایران

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس توسط عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای واکنش امنیتی در مقابل انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق	۱۹۸۱	با افزایش تنش	
جنگ نفت‌کش‌ها، حمله عربستان به جنگنده ایرانی در خلیج فارس و بعدازآن ایران نیز به یک نفت‌کش سعودی در نزدیکی سواحل قطر حمله کرد.	۱۹۸۴		
در مراسم براثت از مشرکین در ۳۱ جولای ۱۹۸۷ حاجیان ایرانی شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل سر می‌دهند که با حمله و تیراندازی پلیس عربستان ۴۰۲ نفر کشته می‌شوند که ۲۷۵ نفر از آنها ایرانی بودند. پس‌ازاین واقعه عده‌ای از مردم خشمگین تهران، سفارت عربستان را اشغال و سفارت کویت را به آتش کشیدند و سفیر عربستان «مصعد الغمدادی» زخمی و در راه بیمارستان فوت می‌کند	۱۹۸۷		
قطع یک‌جانبه روابط سیاسی عربستان با ایران	آوریل ۱۹۸۸	قطع روابط سیاسی	
حمله عراق به کویت و اعلام بی‌طرفی ایران در این جنگ	۱۹۹۰	کاهش تنش در روابط	
بازگشایی سفارت‌خانه‌های ایران و عربستان	۱۹۹۰	آغاز روابط	
روابط مسالمت‌آمیز و افزایش بهبود مناسبات در این دوران، مهم‌ترین اتفاق در این دوران امضای قراردادی امنیتی در ۱۸ آوریل ۲۰۰۱ بود.	۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵	روابط مسالمت‌آمیز	
انتقادهای دولت وقت علیه حاکمان عرب و بروز تحریک مردم منطقه برای شورش علیه آنها	۲۰۰۵	دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	مرحله سوم
توقف عمره به دلیل برخورد و بدرفتاری با زائران ایرانی	۲۰۰۵		
مواضع متفاوت دو کشور ایران و عربستان در مورد جنگ ۳۳ روزه	۲۰۰۶		
آغاز انقلاب‌های عربی و افزایش تنش در روابط و تضاد در سیاست خارجی دو کشور بعدازاین حوادث در مورد کشورهای بحرین، سوریه، مصر و ...	۲۰۱۰		

حمایت ایران از اعتراض‌ها در بحرین در دوران بهار عربی متهم کردن ایران به تحریک مردم توسط عربستان و فرستادن نیرو به بحرین	۲۰۱۱		
آغاز اعتراضات در استان شرقی شیعه‌نشین عربستان سعودی، گردن زدن ۱۸ ایرانی به جرم مواد مخدر توسط عربستان	۲۰۱۲		
در سال ۲۰۱۴ نیروهای شیعه انصار الله (الحوثی) با تسلط بر بخش‌های از یمن، اداره کشور را در دست گرفتند که با دخالت نظامی عربستان در مارس ۲۰۱۵ روبه‌رو شد، دستگیری روحانی شیعه شیخ نمر النمر، سپتامبر ۲۰۱۵ کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر ایرانی در زمان انجام مناسک حج، مخالفت عربستان با توافق برجام، عربستان با افزایش میزان تولید نفت و در مخالفت با سیاست‌های اوپک منجر به کاهش قیمت از بشکه‌ای ۱۱۰ دلار به بشکه‌ای ۳۰ دلار در ژانویه ۲۰۱۶ شد.	۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵		
در ژانویه ۲۰۱۶ عربستان شیخ نمر را اعدام کرد که این مسئله سبب اعتراض عده‌ای در ایران و حمله سفارتخانه عربستان در تهران کردند و آن را آتش زدند که به‌موجب این اقدام عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد.	۲۰۱۶	قطع روابط سیاسی	
اوج تنش در روابط ایران و عربستان، درگیری دو کشور در جبهه‌های مختلف با گروه‌های نیابتی خود در یمن، سوریه، عراق، افزایش جنگ لفظی بین مقامات دو کشور	۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸		
با انتخاب پسر پادشاه عربستان «محمد بن سلمان» (که مسئولیت جنگ و کشتار یمن را نیز بر عهده داشت و از ضرورت کشیدن جنگ به داخل ایران سخن گفته بود) با انتخاب او جنگ لفظی بین دو کشور و شرایط سیاسی بدتر می‌شود.	مه ۲۰۱۷	کاهش تنش در روابط	مرحله چهارم
عملیات تروریستی در مجلس و مرقد امام خمینی در	مه ۲۰۱۷		

تهران که ایران عربستان را مسئول این واقعه خواند.			
سقوط داعش، شدت گرفتن درگیری‌ها در یمن و شروع حملات محدود حوثی‌ها به داخل عربستان و هدف قرار دادن مراکز حیاتی	۲۰۱۷		
خروج آمریکا از برجام در مه ۲۰۱۸ با تحریک عربستان که سبب تضعیف اقتصاد ایران و افزایش تنش در روابط و درگیری‌های محدود در خلیج-فارس شد مانند هدف قرار گرفتن چندین کشتی تجاری و نفت‌کش از سوی منبعی نامشخص، خرابکاری در ۴ کشتی در فجیره امارات، انفجار دو نفت‌کش در دریای عمان، حمله به تأسیسات نفتی آرامکوی عربستان توسط حوثی‌ها، حمله به نفت‌کش ایرانی در دریای سرخ، افزایش اعتراض-ها در عراق و لبنان و استعفای دولت‌های آن‌ها بر اثر زیر فشار قرار گرفتن از سوی معترضان که از طرف عربستان و آمریکا تحریک شده بودن، آتش زدن سفارت ایران در عراق توسط معترضان عراقی در بغداد، حملات هوایی به پایگاه‌های آمریکای در عراق توسط گروه‌های وابسته به ایران و ...	۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹		
حمله به پهپاد آمریکای توسط ایران، کاهش تنش لفظی در اظهارنظر مقامات دو کشور، کاهش چشمگیر تعداد نیروهای اماراتی در جنوب یمن، سفر هیئت صلح امارات به ایران	ژوئن ۲۰۱۹		
پیشنهاد صلح هرمز به کشورهای حوزه خلیج-فارس از طرف ایران در سازمان ملل	سپتامبر ۲۰۱۹		
به شهادت رسیدن فرمانده سپاه قدس، سردار سلیمانی در عراق که بنا به سخن نخست‌وزیر عراق، شهید سلیمانی حامل پیام ایران در مورد روابط با عربستان بوده است، اعلام بی‌طرفی و خویشتن‌دار عربستان در واقع ترور سردار سلیمانی و حتی درخواست از آمریکا که آن‌ها را وارد جنگ نکند، خروج ایران از برجام، برگزاری مجمع	ژانویه ۲۰۲۰		

گفت‌وگوی تهران با محوریت طرح صلح هرمز و حضور برخی کشورهای منطقه خلیج‌فارس و همچنین پیشنهادهای وزیر خارجه ایران به کشورهای منطقه برای صلح در خلیج‌فارس			
ازسرگیری روابط دیپلماتیک، مذاکرات ایران و عربستان که در سطوح امنیتی چندین بار صورت گرفته است و نتایج مثبتی از هر دو طرف گزارش شده است اما اختلافات دو کشور متعدد و پیچیده است که حل‌وفصل آن ساده به نظر نمی‌رسد. تبلیغات منفی دو کشور علیه یکدیگر کاهش پیدا کرده است. همچنین در حوزه یمن عملیات چه از سوی عربستان و چه از سوی انصار الله کاهش یافته است.	۲۰۲۱		

منبع: (عذیری و لاسجردی، ۱۴۰۲: ۲۴-۱۸)

عوامل مؤثر در ادراک‌های تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان

هرچند توقع رقابت‌ها و سوابق دشمنی میان دو کشور بزرگ منطقه‌ای، از طریق یک میانجیگری و چند توافق به‌راحتی قابل حل نیست اما واقع‌بینانه این است که در عرصه سیاست منطقه‌ای و ادراک بازیگران تحولی رخ داده است که منجر به رسیدن ایران و عربستان به نقطه تنش‌زدایی است. بر اساس روش دلفی و یک طرح پژوهشی با مشارکت ۴۰ استاد و پژوهشگر حوزه عربستان نشان می‌دهد که شاخص‌های ذهنی، هویتی و معنا گرایانه، با اثرگذاری ۷۰/۶۲ درصد، بیش از شاخص‌های عینی و ژئوپلیتیک و ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل بر روابط ایران و عربستان تأثیرگذار بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر؛ فضای ذهنی و روانی، بیش از فضای عینی و بیرونی بر روابط دو کشور مؤثر هستند. آنچه تاکنون در بیرون نیز محقق شده است، از سرنگونی صدام تا بهار عربی، از جنگ یمن تا تحولات سوریه، شالوده‌های فکری بدبینانه و اعتماد گریز مقامات دو کشور را انسجام و استحکام بخشیده است (باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۹). بر همین اساس است که می‌توان به این گزاره رسید که با تغییر نگرش‌ها روابط ایران و عربستان از تنش‌زایی به سمت تنش‌زدایی قابلیت دگرگونی دارد حال با توجه به اینکه دو کشور پس از هفت سال به سمت تنش‌زدایی حرکت کرده‌اند در ادامه سه عامل

اساسی تغییر در ادراک نظم منطقه‌ای، محیط استراتژیک و بازتعریف منافع ملی که در تنش‌زدایی طرفین تأثیرگذار بوده است بررسی خواهد شد.

تحول ادراک نسبت به نظم و ساختار منطقه‌ای

با فروپاشی شوروی منطقه‌گرایی نوینی در جهان شکل گرفت که این امر به ارتقاء نقش و کارکرد مناطق در امنیت بین‌المللی و منافع استراتژیک غرب چه در حوزه پیرامونی روسیه و چه مناطق دیگر بسیار بااهمیت بود. در همین راستا شکل‌دهی به یک نظم جهانی مطلوب غربی منجر به مداخله آن در مناطق مختلف از جمله در غرب آسیا شد. این مداخله به صورت نظامی و غیرنظامی توسط آمریکا منجر به شکل‌گیری ناامنی و تهدیدات درون‌زا برای کشورهای منطقه‌ای غرب آسیا شد. ظهور این تهدیدات و تسری آن به تهدیدات برساخته از طریق امنیتی سازی چنان با مناسبات درون منطقه‌ای پیوند خورد که گذر از وضعیت امنیتی سخت شد (ر.ک محقق، ۱۳۹۶: ۴۲). بدین ترتیب درحالی‌که راهبرد حضور نظامی آمریکا و اهداف و منافع این کشور سیاست و امنیت کشورهای منطقه را به شدت تحت تأثیر قرارداد از سوی دیگر کشورهای محافظه‌کار منطقه را برانگیخت تا در شرایط ناامنی و احساس تردید با داشتن روابط نزدیک با آمریکا از حمایت‌های آن برخوردار شوند. از همین رو بر اساس روابط شکل‌گرفته‌ای که تداعی‌گر نظم ناپایدار منطقه‌ای و عدم ثبات استراتژیک در آن است محیط منطقه‌ای در ترکیبی از حالت جنگ سرد و جنگ گرم فرار گرفت و از آنجاکه هیچ سیستم کنترل رسمی یا غیررسمی کارآمدی در منطقه وجود نداشت یا برای تأسیس آن با اهداف مشخص (از جمله امنیت اسرائیل) کارشکنی می‌شد بنابراین از یک‌سو آمریکا توانست بر تشدید ناامنی‌ها و مدیریت روابط و ساختار منطقه‌ای مداخله کند و از سوی دیگر سیستمی را ایجاد کند که رفتار کشورهای منطقه نیز با تقویت آن منافع خود را در این ساختار و نظم تعریف کنند (ر.ک پوردست، ۱۳۹۰: ۱۲۲). مشخص‌ترین بازتاب این ساختار و نظم تعمیق تقابل جدی بین دو بازیگر ایران و عربستان بود که به سبب داشتن زمینه‌های تعارض دچار بازی برد-بخت شدند. باین‌حال با محاسبات نادرست به وجود آوردگان این شرایط بعد از سال‌ها نشان داد که نه تنها غرب عملاً در مدیریت تنش‌ها خود را در باتلاقی دید که توان حل آن را ندارد بلکه برای خروج از آن نخست تصمیم گرفت که خود به‌طور مستقیم طرف درگیر هیچ نزاع بزرگی نباشد و بتواند از طریق تقویت متحدان خود و حمایت از جنگ‌های نیابتی حداقل دستاورد فروش تسلیحات و بازارگرمی آن را کسب کند

به‌علاوه خود غرب تصمیم به خروج از منطقه گرفت و شرایط ناامنی برساخته خود را با همه پیچیدگی‌ها و به‌دوراز همکاری امنیتی کشورهای منطقه یا طرق دیگر برای حل اختلافات رها کرد. این خروج از منطقه توسط ایالات‌متحده آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی منطقه با درک تحولات نظام بین‌الملل و ظهور چین بود که مجبور شد درنهایت بر حل اختلافات توسط خود کشورهای منطقه تأکید ورزد درحالی‌که تا پیش از اعلام این سیاست‌ها بر قطبی‌سازی و عدم رسیدن به طرح‌های صلح منطقه‌ای از ابزارهای مختلف به هر طریقی استفاده کرد. در سایه امنیتی سازی علیه جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تضعیف یا محدودسازی ایران به بهانه‌های مختلف چون فعالیت هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای یا توان نظامی درنهایت معادلات امنیتی شکل‌گرفته را نتوانست به‌صورت مستقیم یا از طریق شرکای منطقه‌ای حل کند و کشورهای منطقه را به این نتیجه رساند که نمی‌توان با پیروی از ایده سیاست‌های اشتباه غرب منافع ملی خود را تضمین کنند بنابراین نیاز به دگرگونی ساختار با رویکرد تنش‌زدایی اهمیت یافت. از همین رو کشورهای منطقه تلاش داشتند تا قوانین بازی را به‌طور واضح ترسیم کرده و به‌نوعی از رفتار در قبال منازعات جاری و آتی دست یابند تا منجر به مجوز ادامه تنش بدون سازوکار محدودکننده نباشد (ر.ک. احمدیان و کهریزی، ۱۴۰۰: ۳۷). این همان سیاستی بود که جمهوری اسلامی نیز بارها بر آن تأکید داشت. سیاستی که ضرورت آن به تأمین منافع ملی ایران و سایر کشورها و ملت‌های این منطقه بازمی‌گردد. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) حضور و دخالت آمریکایی‌ها در غرب آسیا عامل بحران‌آفرینی، بی‌ثبات‌سازی، ناامنی و اختلاف است و این مسئله با همکاری متقابل ملت‌ها و دولت‌های این منطقه می‌تواند پایان یابد (khamenei, 1398).

به‌طورکلی باید گفت عوامل متعددی در خصوص نظم و ساختار منطقه‌ای در ایجاد شکنندگی این وضعیت تنش‌زا و حرکت به سمت تنش‌زدایی مهم بود که دست‌کم سه مسئله قابل‌ذکر است نخست اینکه هرچند نگاه عربستان سعودی برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی‌اش همواره به آمریکا و غرب بوده است؛ اما ترور جمال خاشقجی، تمایل آمریکا به جایگزینی بن‌نایف با بن‌سلمان و تلاش واشنگتن برای خروج از غرب آسیا به ریاض ف همانند که ایالات‌متحده دیگر نمی‌تواند حمایت بی‌چون‌وچرای همیشگی را در اختیار عربستان سعودی بگذارد (رکابیان و انگزی، ۱۴۰۰: ۱۸۹). دوم اینکه در آوریل ۲۰۱۶، دکترین اوباما در اقیانوس اطلس مطرح شد که در آن اوباما نسبت به هرگونه دخالت ایالات‌متحده در جنگ‌های نیابتی ناشی از رقابت عربستان و

ایران در خاورمیانه هشدار داد. او همچنین از سعودی‌ها دعوت کرد تا خاورمیانه را با ایران سهیم شوند و اختلافات خود را خودشان حل کنند (Hadzikadunic, 2019). بدین ترتیب با اعلام سیاست رو به شرق آمریکا و عدم حمایت از متحدان خود شرکای ایالات متحده به دلیل «ترک کردن» منطقه و عدم درگیر نگه داشتن خود در مسائل منطقه‌ای ناامید شدند. نکته سوم این است که خروج آمریکا از منطقه و نارضایتی کشورهای منطقه برای سیاست‌گذاران چینی که به شدت از این‌گونه نارضایتی‌ها آگاه هستند فرصت مناسبی برای به دست گرفتن ابتکار عمل و انتقال دیدگاه‌های خود فراهم ساخت. در این زمینه پکن تأکید می‌کند که هرگز «خلاً قدرت» در خاورمیانه وجود نداشت و نیازی به مداخله «پدرسالارانه خارجی» نبوده و نیست. چینی‌ها اذعان دارند که خاورمیانه یکی از مناطقی است که بیشتری «کسری امنیت» و «کسری توسعه» را در جهان دارد و علت بنیادین آن افراط‌گرایی گسترده در منطقه می‌دانند. در همین راستا انتقاد اصلی از استراتژی واشنگتن این است که از «مفهوم امنیتی سنتی» که به‌طور ساده به‌عنوان پیروی از «قانون جنگل» و داشتن یک «ذهنیت جنگ سرد» با مجموع جبری صفر پیروی می‌کند و دیگران را به آن ترغیب می‌سازد (Gering, 2023) اینکه غرب تلاش دارد تا با واگذاری مسائل به کشورهای منطقه خود را از درگیر شدن در مسائل منطقه که در ایجاد آن‌ها مسئولیت عمده‌ای دارد به نحوی رها سازد اما خروج آمریکا از منطقه و کاهش مداخله‌گری آن نظام منطقه‌ای را به سمت کاهش تلاش برای تسلط تک‌قطبی ایالات متحده پیش برده و در نتیجه دولت‌های منطقه نیز سیاست‌های امنیتی خود را تعدیل می‌کنند از جمله تحولی که در روابط عربستان و ایران رخ داد و منعکس‌کننده نظم بین‌المللی با مشخصه چندقطبی است (Sheikh, 2023).

حمایت از افزایش همکاری با استفاده از خرد چینی و راه‌حل‌های چینی برای جبران کاستی‌های امنیت منجر می‌شود که معماری امنیت چین برای خاورمیانه در درجه اول نسبت به سلطه آمریکا فراتر از محاسبات صریح کشتی به کشتی و تفنگ به تفنگ باشد و با تأکید بر تغییر نگرش‌ها به تغییر رفتارها حرکت کند. همان‌گونه که سان دگانگ، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه فودا بیان می‌کند که رقابت بین قدرت‌های بزرگ «در وهله اول در مورد مبارزه برای تعیین قوانین و نظم است که اساساً مبارزه برای قدرت گفتمانی است». به بیان ساده، معماری

¹ Sun Degang

² Fudan

تبلیغ شده چین برای ایجاد دنیای چندقطبی پسا غربی و تنظیم برنامه‌های جهانی است که منعکس‌کننده منافع و ارزش‌های آن است (Gering, 2023) و اقدام برای تنش‌زدایی بین کشورهای منطقه گامی در تحقق این امر در خاورمیانه می‌تواند باشد. پس نفوذ و اعتبار ایالات متحده در منطقه کاهش یافته است و نوع جدیدی از همسویی منطقه‌ای بین‌المللی در حال وقوع است که به بازیگران دیگر چون چین اجازه نفوذ و کسب موقعیت جدید داده است. نفوذ چین نه تنها در منطقه به ریاض و تهران این امکان را داده است که پتانسیل روابط نزدیکی را ببینند بلکه چون این کشور برخلاف آمریکا روابط مناسبی با دو طرف دارد از این‌رو بستر برای گفتگوهای امنیتی را فراهم می‌سازد. برای چین، ثبات در خلیج فارس برای منافعش ضروری است. عادی‌سازی و تعامل دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی یک الزام برای عبور ایمن منابع انرژی لازم است چراکه هم ریاض و هم تهران صادرکنندگان مهم نفت به چین، دومین کشور بزرگ اقتصادی و مصرف‌کننده انرژی در جهان هستند. این قدرت آسیای شرقی به‌تنهایی حدود ۳۰ درصد از کل تجارت بین‌المللی ایران را تشکیل می‌دهد. همچنین، چین بزرگ‌ترین بازار صادرات نفت عربستان سعودی است و عربستان سعودی بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین شناخته می‌شود (Sheikh, 2023). بنابراین به نظر می‌رسد که توافق ایران و عربستان با میانجیگری چین، روابط دو کشور را مستحکم می‌کند. مهم‌تر اینکه از آنجایی که چین هم‌اهرم سیاسی و هم اقتصادی بر دو طرف دارد، انجام تعهدات به‌نوعی تضمین می‌شود (Divsallar & Hesham, 2023)

تحول ادراک نسبت به محیط استراتژیک

شناخت محیط استراتژیک هر کشور به معنای درک و تحلیل عوامل و شرایطی است که در تعیین تشکیل‌دهنده استراتژی‌ها و سیاست‌های کشور تأثیر می‌گذارند. این عوامل می‌توانند شامل عوامل داخلی و خارجی باشند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر توان ملی، امنیت و عملکرد کشور تأثیر می‌گذارند. شناخت محیط استراتژیک هر کشوری یکی از ضروری‌ترین نیازها است زیرا هر محیطی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های خاصی برای کشورها به همراه دارد (ر.ک ماله میر، ۱۳۹۰: ۸۷). در صورتی که تحول در محیط استراتژیک منجر به تغییر در توانایی‌های نظامی کشوری شود، سیاست خارجی نیز بایستی تطبیق خود را با این تغییرات داشته باشد. از همین رو لازم است بازیگران تلاش کنند تا با درک محیط استراتژیک که در آن قرار دارند نسبت به تقابل و

تفاهم در موضوعات مختلف سیاست خارجی بتوانند با تراز کردن منافع خود به تحقق اهداف سیاست خارجی خود دست یابند (ر.ک حاجی یوسفی و نهضت پور، ۱۴۰۰: ۱۱۲-۱۱۱ و ۱۲۷). در این خصوص باید گفت وقوع بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای منافع دو طرف را کاملاً در مقابل یکدیگر قرارداد در واقع امر مطلوب برای ایران و عربستان در این بحران‌ها کاملاً متضاد هم تعریف می‌شد. واقعیت روابط ایران و عربستان انعکاسی از تداخل سطوح مختلف از منابع، نگرانی‌های امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی است. از منظر ژئوپلیتیکی و سنجش قدرت، ایران و عربستان به‌عنوان ساختارهای فضایی قدرتمند و برتر در منطقه‌ی خاورمیانه محسوب می‌شوند (عذیری و لاسجودی، ۱۴۰۲: ۹). و بنا به دلایل متفاوتی این دو کشور در یک تقابل نفوذ ژئوپلیتیکی با یکدیگر قرار گرفتند از جمله این دلایل می‌توان به مسئله عمق استراتژیک اشاره کرد. عمق استراتژیک یک عامل جغرافیایی است که طبیعتاً توان دفاعی یک کشور را تقویت می‌کند و از طرف دیگر متجاوز را با چالش‌های بزرگی مواجه می‌کند. این ظرفیت طبیعی قدرت تحمل تهاجم نظامی را تقویت می‌کند و مشکل حفظ توان لجستیک طولانی را بر متجاوز تحمیل می‌کند؛ بنابراین عمق استراتژیک یک کشور با امنیت ملی آن به‌ویژه در مورد همسایگان متخاصم رابطه مستقیم دارد (Nation, 2015). می‌توان تأثیر عمق استراتژیک را بانفوذ سیاسی هم پیوند زد. شاید آن زمانی که کاخ سفید در پی اجرا و تدارک طرح خاورمیانه بزرگ بود، فکر نمی‌کرد نفوذ ایران و شیعیان بیش از گذشته شود، اما برگزاری انتخابات در عراق، شورای قانون‌گذاری فلسطین، تحولات لبنان و نیز وقوع جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله اسرائیل، اوضاع منطقه را تغییر داد. در این رابطه، دو ادعا به‌طور هم‌زمان مطرح شد. نخست اینکه قدرت‌گیری شیعیان در منطقه، منجر به شکل‌گیری یک بلوک شیعی شده است و دوم، این بلوک شیعی را تهران هدایت خواهد کرد. سران آمریکا و اسرائیل با برجسته‌سازی مفهوم هلال شیعه، دنبال برجسته‌سازی ایران و کاهش توجه به اسرائیل بودند. مقامات آمریکا با اشاره به اظهارات پادشاه اردن چنین ادعا می‌کنند که در کنار ایران و عراق که دارای اکثریت جمعیت شیعه هستند، کشورهای لبنان و بحرین به دلیل جمعیت زیاد شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت شیعیان علوی و گروه شیعیان عربستان سعودی به دلیل سکونت در مناطق نفت‌خیز، با شکل دادن به هلال شیعه، تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تأثیر قرار می‌دهند. از نظر سران کاخ سفید و اسرائیل، وجود کشور مسلمان و نیرومندی چون ایران، میان دو منبع انرژی (دریای خزر و خلیج فارس) که ۷۵ درصد منابع انرژی جهان را به

خود اختصاص داده است، برای استراتژی، منافع و امنیت ملی غرب در قرن بیست و یکم خطرناک است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۳: ۲۰۷ و ۲۰۹-۲۱۰) فوری‌ترین نتیجه این دیدگاه افزایش تنش به خاطر حوزه‌های ظرفیت‌سازی در سیاست خارجی ایران نه‌تنها در روابط با عراق، بلکه در روابط با کشورهای حاشیه جنوبی منطقه خلیج فارس، جهان عرب و قدرت‌های بزرگ بود (بهادر خانی و همکاران، ۶۴-۱۳۹: ۶۳).

عمق استراتژیک ایران حاصل از محور مقاومت



(باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱).

در همین راستا این استنباط که می‌توان بانفوذ منطقه‌ای و بکارگیری انواع نیروها برای تقابل با ایران به ایجاد یک منطقه نفوذ با حاصل جمع جبری صفر رسیده عملاً بعد از سال‌ها اجرا و هزینه نه‌تنها دستاورد واقعی نداشت بلکه به ایجاد یک محیط استراتژیک جدید نیز منجر شد و ایران به‌عنوان قدرت حاضر در منطقه علی‌رغم فشارها و تحریم‌ها به نقطه بی‌بازگشتی رسید. از این رو، روبرو شدن با واقعیتهایی که دگرگونی در ادراک محیط استراتژیک را نشان می‌داد تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر روابط تنش‌زدایی ایران و عربستان داشت به طوری که این تغییر ادراک باعث ایجاد فرصت‌های جدید برای ایجاد پیوندهای مثبت و ارتباطات سازنده بین دو کشور به جای تقابل شد. به عبارت بهتر به نسی که منطقه نفوذ دو کشور گسترش یافت به سبب تداخل و کوچک شدن فضای مانور طرفین موجب افزایش حساسیت و آسیب‌پذیری بازیگران در میدان سیاست و نظامی شد. این به معنای آن است که هر اتفاقی در بخشی از محیط کنشگری می‌توانست به صورت جرقه‌ای برای گسترش تصاعدی تنش در محیط‌های دیگر شود بنابراین داشتن نوعی انعطاف‌پذیری و رسیدن به یک تعادل یک ضرورت راهبردی در این شرایط به شمار می‌رفت. با

در نظر گرفتن منابع محدود کشورها یا برابری نسبی با رقبای یا تحت تأثیر قرار گرفتن آن با کاهش پشتوانه خارجی برای اقدامات ایده‌تخاصم و ماجراجویی با نوعی تعدیل روبرو می‌شود.

از آنجایی که ادراک تهدید از محیط استراتژیک به شدت روی اتخاذ تصمیم صف‌بندی به‌عنوان اساس سیاست برقراری توازن قدرت تأثیر می‌گذارد و بازیگران بر اساس محاسبه سود و هزینه به انتخاب‌های استراتژیک دست می‌زنند این مسئله که تمرکز بر هزینه‌ی نظامی تا چه اندازه مقرون‌به‌صرفه برای دستیابی به اهداف است باعث می‌گردد تا بر انتخاب رویکرد انعطاف‌پذیری نیز افزوده شود. برخی جدال ایران - عربستان را به‌عنوان مدل جنگ سرد منطقه‌ای به تصویر می‌کشیدند همان‌طور که دانیل سرور، رکسانا فرمانفرمایان و جگوری گاس تصور می‌کنند که جدال ایران - عربستان به دلیل نبود بعد نظامی مستقیم و رویارویی، باید نوعی جنگ سرد منطقه‌ای تعبیر کرد. آن‌ها با این استدلال که علی‌رغم جنگ سرد منطقه‌ای که منجر به تضعیف دو سوی قدرت و افزایش هزینه‌های تسلیحاتی این دو دولت شده است، ولی ایران و عربستان برای توسعه قدرت خود ترجیح داده‌اند که وارد درگیری مستقیم نظامی با یکدیگر نشوند. از این رو، دامنه تنش و تقابل به سمت گروه‌های شبه‌نظامی (نیابتی) رفته است (رحم‌دل و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۰). بدین ترتیب چون قدرت واحدها برابر و همگون است. نوع استراتژی بازدارنده در این محیط در قبال یکدیگر شکل نیز گرفته است (ماله میر، ۱۳۹۰: ۵۰). عربستان و آمریکا در اوج روابط خود با نتوانستند سیستم بازدارندگی ایران را متزلزل ببینند. این نکته قابل توجه است که اگر کشورها مجبور به تکیه بر قدرت خود شوند یا حمایت واقعی را از نیروی خارجی نبینند به سمت تنش‌زدایی حرکت خواهند کرد چون دستاورد تنش‌زدایی از تنش‌زدایی بالاتر است. نکته جالب این است که ریاض دارای بالاترین بودجه دفاعی در کل منطقه است. از سوی دیگر، ایران بسیار کمتر از سعودی‌ها هزینه می‌کند، اما از جنگ نامتقارن بسیار کارآمد استفاده می‌کند و نه تنها از حزب‌الله در لبنان و سوریه، بلکه از دیگر بازیگران غیردولتی و دولتی در منطقه نیز استفاده می‌کند. در حالی که هزینه‌های نظامی ایران در مقایسه با عربستان سعودی ناچیز است، نیروهای مسلح این کشور کوتاهی نمی‌کنند؛ و از نظر اثربخشی نسبتاً بالایی را ارزیابی کنید (Hadzikadunic،

¹ serwer daniel

² farmanfarmaian roxana

³ gumet

(2019) در ادامه آمار مرتبط با مخارج نظامی ایران و عربستان آمده است:

جدول ۱ درصد مخارج نظامی از تولید ناخالص

سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
ایران	۲٫۸	۳٫۲	۲٫۹	۲٫۴	۲٫۸	۲٫۲	۲٫۳	۲٫۸	۳	۳٫۱	۲٫۵	۲٫۳
عربستان	۷٫۴	۹٫۶	۸٫۶	۷٫۲	۷٫۷	۹	۱۰٫۷	۱۳٫۳	۹٫۹	۱۰٫۲	۹٫۵	۸

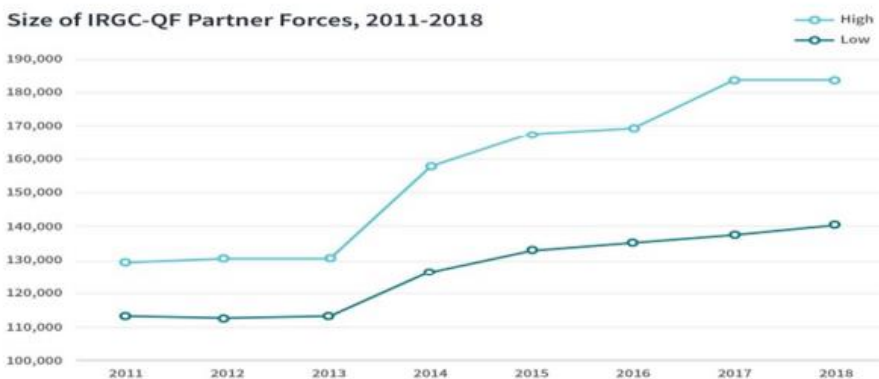
جدول ۲ هزینه نظامی به میلیارد دلار

سال	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
ایران	۱۱٫۱	۱۳٫۲	۱۵٫۸	۱۴٫۶	۱۴	۱۴٫۷	۱۴٫۹	۱۳٫۴	۱۴٫۲	۱۱٫۲	۱۱٫۱	۱۱٫۷	۱۳٫۲	۱۴٫۶	۱۱٫۲	۹٫۵	۱۲٫۶
عربستان	۳۲٫۹	۳۹٫۷	۴۵٫۲	۵۲٫۱	۵۱٫۱	۵۲٫۵	۵۴٫۷	۵۵٫۴	۶۲٫۷	۷۱٫۹	۸۴٫۷	۹۰٫۴	۶۴٫۷	۷۲٫۱	۷۴٫۴	۶۲٫۵	۶۱٫۸

منبع: (مهاجر، ۱۴۰۰:۱۰۷)

ظرفیت‌های نامتقارن ایران به‌خودی‌خود و وجود ساختاری «مشبک» در عملیات نظامی ایران وجه بازدارندگی و اعمال قدرت را پیچیده و محاسبات آن را دشوار می‌سازد «اندیشکده واشنگتن» می‌نویسد که ایران که با داشتن قدرتمندترین و متنوع‌ترین ناوگان هواپیماهای بدون سرنشین در خاورمیانه در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و در سطح عملیات پهبادهای ایرانی دستکم از سال ۲۰۰۴ به‌طور گسترده توسط نیروهای نیابتی آن در منطقه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و قدرت مانور و تهدیدی ۳۶۰ درجه هستند که شناسایی و مقابله با آن سخت است (عذیری و حاج زرگرباشی، ۱۴۰۲:۷۲).

افزایش قدرت نیروهای نیابتی در منطقه (۲۰۱۸-۲۰۱۱)



منبع: (بزرگمهری و همکاران، ۱۳۹۹:۴۷)

محیط استراتژیک نشان می‌داد که از نظر سیاسی و نظامی دو جنبه سلبی و ایجابی موجب

تصمیم‌گیری یک بازیگر عاقل می‌شود تا با شناسایی ضعف و قوت در محیط استراتژیک بر تقویت، ادامه یا تضعیف و ترمیم یا حتی عدول از سیاست و راهبردها قبلی اقدام کند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که دو کشور ایران و عربستان نتوانستند یک نظم دوقطبی در منطقه ایجاد کنند زیرا عربستان سعودی و ایران نتوانستند سایر بازیگران قدرتمند منطقه‌ای را به اردوگاه خود بیاورند یا آن‌ها را بترسانند تا کشورهای دیگر به سمت اتحاد با رقیب پیش رود دقیقاً همان چیزی که استنفان والت آن را متعادل‌سازی^۱ یا همراهی باند می‌نامد. برای مثال ترکیه برای اولین بار و باهدف کسب منافع ملی خود و نه در حمایت از یک‌طرف ایران یا عربستان به یک بازیگر منطقه‌ای درگیر تبدیل شد بنابراین منطقه با تعدد قدرت‌ها یک معادله امنیتی پیچیده مواجه شد (Davies, 2022). باید گفت زورآزمایی سیاسی در سطوح منطقه‌ای با انواع منابع قدرت بسته به شرایط زمان و مکان و مصلحت‌ها ممکن است خصمانه شود یا به بروز موازنه‌های صلح پرور منجر شود و یا به تعامل و همکاری میان قدرت‌ها بینجامد (مجتهد زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۰). این موضوع قابل درک است که مثلاً علی‌رغم رقابت بین بازیگران متعدد اما این ترکیه بود که برخلاف عربستان در مذاکرات آستانه حاضر شد و با عبور از سناریوی سقوط بشار اسد در برگزاری مذاکرات آستانه همراه ایران و روسیه بود بنابراین درک تحولات محیط استراتژیک برای تنش‌زدایی بین دو طرف ایران و عربستان مهم بود.

تحول ادراک در منافع

رقابت مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی است که باهدف کسب برتری و سیادت در زمینه خاص بین بازیگران انجام می‌گیرد. یک رابطه رقابتی بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می‌گیرد و بازیگرانی که بر اساس منافع متعارض باهم رقابت می‌کنند و تلاش دارند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت‌ها بازدارند (احمدی دوازده‌امامی، ۱۴۰۰: ۳۱). باین حال با تغییر نگرش‌ها می‌توان شاهد تغییر سیاست‌ها بود. ایران و عربستان درک کردند که از سرگیری روابط دیپلماتیک منجر به تغییر استراتژی هیچ‌یک از طرفین یا تضعیف هیچ‌یک از دو کشور نشد در عوض، این بدان معنا بود که مبادلات دوجانبه جایگزین درگیری معمول طولانی‌مدت بین تهران و ریاض می‌گردد. حتی در این توافق تنش‌زدایی پرونده‌های منطقه‌ای اولویت فوری در

¹ Balancing

² Bandwagoning

توافق دو طرف نبود، اما بهبود روابط دوجانبه منجر به کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات می‌تواند شود. از منظر استراتژیک عربستان سعودی، این توافق، رقابت را به عرصه اقتصادی و دور از رقابت سیاسی و امنیتی سوق می‌دهد، زیرا این رقابت برای هر دو طرف پرهزینه است. به‌خصوص آنکه رهبری عربستان سعودی از سال ۲۰۱۸ با اصلاح روند سیاست‌گذاری خارجی، پایان دادن به تقابل‌های دیپلماتیک و بهبود وجهه بین‌المللی عربستان در جنگ یمن، برای تحکیم جایگاه بین‌المللی این کشور تلاش کرده است (Carnegieendowment, 2023) اولویت عربستان سعودی برنامه تحول اجتماعی و اقتصادی آن است که در چشم‌انداز ۲۰۳۰ توضیح داده شده است. عربستان سعودی درک می‌کند که پنجره فرصت برای انجام چنین تحولی مشروط به ثبات منطقه است که تنها با داشتن روابط عادی با ایران می‌توان به آن دست یافت. براین اساس، پادشاهی براین باور است که اگر جانب‌داری از هر یک از قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه قدرت‌های غربی، تنش‌هایی را با تهران ایجاد کند، تنها به برنامه تحول اجتماعی آن آسیب می‌زند. در مقابل انگیزه ایران برای توافق تحت استراتژی «نگاه به شرق» و «سیاست همسایگی» قرار دارد. اولی خواستار روابط قوی‌تر با چین و روسیه است درحالی‌که دومی پانزده کشور همسایه ایران را به‌عنوان شرکای اصلی اقتصادی و سیاسی در اولویت قرار می‌دهد. به‌علاوه این توافق به جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا دستاوردهای خود را در سراسر سوریه، عراق و لبنان تثبیت کند (Divsallar & Hesham, 2023) همچنین توافق عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی به کاهش انزوای بین‌المللی ایران که توسط تحریم‌های غرب ایجاد شده است کمک می‌کند. توافق سعودی مشروعیت نظام سیاسی ایران را در نظر کشورها و ملت‌ها تقویت می‌کند و به کاهش مداخله‌گرایی بازیگران منطقه و فرا منطقه نیز منجر می‌شود. به‌علاوه تأییدی بر عدم مشارکت در تهدیداتی چون حمله اسرائیل به تأسیسات ایران است. نکته آنکه نزدیک شدن بیش‌ازاندازه اسرائیل به عربستان را با سناریو ایران هراسی دچار مشکل می‌کند (Country.eiu, 2023). به‌طور کلی تحول در ادراک منافع منجر به تنش‌زدایی در روابط دو کشور پس از هفت سال شد. این توافق اولاً به‌طور بالقوه می‌تواند اعتماد متقابل را ایجاد کند، احتمال رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای را کمتر کند و به همه کشورهای خلیج اجازه دهد تا بر چالش‌های داخلی و توسعه اقتصادی خود تمرکز کنند. دوم، نشان می‌دهد که عربستان سعودی به‌طور کامل از یک سیاست خارجی عمل‌گرایانه پیروی کرده است که به آن اجازه می‌دهد سیاست‌هایی را که ثابت شده‌اند غیر کارآمد هستند را تغییر دهد. (Hamzawy,

2023). یافتن راه‌حل توافق با ایران کاملاً با این نگرش مناسب است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان تلاش داشت تا از نظریه سازه‌انگاری در تبیین تغییر ادراک دو کشور برآید. یافته‌ها نشان داد که دو کشور تحت تأثیر تغییر ادراک نسبت به نظم منطقه‌ای، محیط استراتژیک و همچنین بازتعریف منافع ملی از وضعیت تنش‌زایی به تنش‌زدایی پیش رفته‌اند. از منظر تغییر ادراک نسبت به نظم منطقه‌ای این مسئله که آمریکا با حضور در منطقه غرب آسیا به تشدید فضای دوقطبی و تنش میان ایران و عربستان دامن می‌زد اما عملاً در مراحل مختلف نشان داد که حاضر نیست تا به پرداخت هزینه در حمایت از متحدان منطقه‌ای خود دست زند منجر به بدبینی به تداوم ساختار تنش آلود منطقه شد از طرفی سیاست آمریکا معطوف به فروش تسلیحات به عنوان حمایت از متحدان منطقه‌ای بود. متها این روند نه تنها به ارتقای امنیت منجر نشد بلکه نشان داد که امنیت در سایه بازی با حاصل جمع جبری صفر نیست و تا زمانی که اراده همکاری و رفع اختلافات توسط کشورهای منطقه صورت نگیرد فضای تنش آلود و سرازیر کردن تسلیحات نمی‌تواند ضامن امنیت پایدار باشد. از سوی دیگر با تصمیم خروج آمریکا و وانهادن مسائل حل‌نشده منطقه به کشورهای منطقه منجر به این شد که اعتماد به آمریکا کاهش یابد. در مقابل چین که از نظر سطح روابط سیاسی و اقتصادی با دو کشور ایران و عربستان از مزیت خوبی برخوردار بوده است توانست در شرایط نارضایتی و بی‌اعتمادی به آمریکا از ظرفیت‌های خود برای میانجیگری بین ایران و عربستان استفاده کند.

مورد دیگری که در این پژوهش بر آن تأکید شد تغییر ادراک نسبت به محیط استراتژیک بود. زمانی که ظرفیت گسترش حوزه نفوذ دو کشور به سبب هم‌پوشانی در وضعیت تشدید و بی‌ثباتی قرار گرفت هرگونه رسیدن به تعادل یا تثبیت وضعیت نیازمند این بود که از ادامه تنش جلوگیری شود؛ بنابراین در شرایطی که سیستم تقابل دو کشور در منطقه در وضعیت حاصل جمع جبری صفر قرار نگرفت و توازن قدرت چه در بعد توان نظامی و چه در توان نیابتی به‌اندازه‌ای بود که حذف رقیب ممکن نباشد در نتیجه به تغییر در ادراک برای اقدامات دیپلماتیک به‌جای نظامی مورد توجه قرار گرفت.

مورد سوم تغییر در ادراک منافع ملی از تأکید بر نفوذ منطقه‌ای و تنش‌زا به سمت توسعه در فضای تنش‌زدایی بود. باید گفت دو کشور ایران و عربستان نسبت به توسعه در ابعاد دیگر به‌ویژه

بعد اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در تلاش هستند تا به نحوی با عبور از فضای تنش آلود بتوانند در ارتباطات و مراودات خود با کشورهای منطقه و فرا منطقه از امنیت قابل توجهی برخوردار باشند. به‌طور کلی توافق ایران و عربستان برای تنش‌زدایی برآیندی از دو مؤلفه نیاز و تمایل بوده است تا از یک‌سو نیاز به امنیت پایدار و پایان دادن به درگیری، عبور از نظم تنش‌زای آمریکایی در منطقه و تأمین گسترده منافع بدون هزینه‌های نظامی غیرضروری، تثبیت دستاوردها و حل اختلافات از طریق اقدامات دیپلماتیک برآورده شود و از سوی دیگر تمایل دو کشور با درک خلأ سیستم حل اختلافات، بهبودگی ادامه تنش‌ها، گسترش روابط با کشورهای چین و توسعه داخلی فرصتی برای کاهش تنش‌ها فراهم ساخت. البته باید توجه داشت که ممکن است وجود ریشه‌دار برخی اختلافات نیاز به زمان بیشتری برای حل و فصل داشته باشد؛ اما اگر دو کشور بتوانند به‌طور مشترک از فرصت‌ها و تهدیدهای مشترکی برخوردار شوند و در قبال چالش‌ها به‌صورت مشترک پاسخ دهند، احتمال همکاری و همبستگی بیشتر می‌شود.

منابع

- احمدی دوازده‌امامی، فرزاد (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل فضاهاى منازعه میان ایران و عربستان سعودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). نقش عربستان سعودی در امنیتى سازی ایران؛ راهبرد جمهوری اسلامى ایران، مطالعات راهبردى، ۲۲(۳)، ۱۰۶-۸۷.
- اسماعیل‌زاده، محمد؛ پور ابراهیم، احمد (۱۴۰۰). رویکرد تطبیقى سیاست خارجى ایران و عربستان به تحولات خاورمیانه با نگاهی به جریان‌ات تکفیرى، دانش تفسیر سیاسى، ۲(۷)، ۲۷-۵۱.
- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۴۰۱). علل طولانى شدن مذاکرات تنش‌زدایی بین ایران و عربستان بر اساس نظریه کریستفر هیل، مطالعات سیاسى جهان اسلام، ۱۱(۳)، ۹۶-۷۱.
- باقری، محسن؛ امیدی، علی؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۴۰۰). تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامى ایران، مطالعات جهان اسلام، ۱۰(۲)، ۹۲-۶۶.
- بزرگمهری، مجید؛ ناقاجانی، سمیه؛ افشار، مریم (۱۳۹۸). همسویی سازمان همکاری اسلامی با عربستان سعودی برای مقابله با ایران در بحران یمن (۲۰۱۹-۲۰۱۵)، پژوهشنامه علوم سیاسى، ۱۵(۵۷)، ۷۴-۳۳.
- بهادر خانی، محمدرضا؛ موسوی، سید محمدرضا؛ چهر آزاد، سعید (۱۳۹۸). مقایسه سیاست خارجى عربستان سعودی و جمهوری اسلامى ایران در منطقه خاورمیانه، دانش تفسیر سیاسى، ۱(۱)، ۷۰-۳۵.
- پور دست، زهرا (۱۳۹۰). تأثیر چرخه‌ی سیستمی قدرت بر ناکارآمدی رژیم منطقه‌ای کنترل تسلیحات و خلع سلاح در منطقه‌ی خاورمیانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- جعفری فر، احسان؛ دادگستر، هادی (۱۴۰۱). جنگ اقتصادى آمریکا علیه چین با تأکید بر نظریه سازه‌نگاری، راهبرد سیاسى، ۶(۳)، ۵۰-۲۹.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ نهضت پور، سید میر آقا (۱۴۰۰). مطالعه‌ی تطبیقى سیاست خارجى عربستان و ایران در بحران سوریه، دانش تفسیر سیاسى، ۳(۴)، ۱۳۴-۱۰۸.
- رحم‌دل، رضا؛ سیمبر، رضا؛ جانسیز، احمد (۱۳۹۸). تحلیل ساختارگرایانه منازعه ایران - عربستان سعودی، مطالعات راهبردى سیاست‌گذارى عمومى، ۹(۳۰)، ۲۶۵-۲۸۱.

- رکابیان، رشید؛ انگزی، رسول (۱۴۰۰). تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۶(۲)، ۱۷۹-۲۰۴.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران (۱۳۹۵). بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور مقاومت اسلامی، سیاست جهانی، ۴(۱۵)، ۸۰-۴۵.
- ضرغامی، برزین؛ شوشتری، سید محمدجواد؛ انصاری زاده، سلمان (۱۳۹۳). ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۶(۱)، ۲۱۴-۱۹۷.
- عذیری، وحید؛ لاسجودی، حسن (۱۴۰۲). ظرفیت عربستان سعودی در صلح‌گرایی منطقه‌ای (با تأکید بر توافق ح.ا.ایران و عربستان سعودی)، دانشنامه علوم سیاسی، ۳(۹)، ۳۱-۱.
- عذیری، وحید؛ حاج زرگرباشی، سید روح‌اله (۱۴۰۲). قدرت هوشمند و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا، دانش تفسیر سیاسی، ۵(۱۵)، ۸۸-۵۳.
- ماله میر، احمد (۱۳۹۰). تأثیر محیط امنیتی و استراتژیک خلیج فارس بر سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- متقی، افشین (۱۳۹۳). واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳(۱۲)، ۱۶۱-۱۴۱.
- محقق، محمدحسن (۱۳۹۶). فرصت‌ها و تهدیدات منطقه‌گرایی در غرب آسیا بعد از جنگ رسد و ارائه راهبردها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی موسسه جامعه الصطفی العالمیه.
- مهاجر، محمدامین (۱۴۰۰). بررسی توازن نظامی در مسابقه تسلیحاتی خاورمیانه: مطالعه موردی ایران، عربستان سعودی و اسرائیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
- Carnegieendowment. (2023). Riyadh's Motivations Behind the Saudi-Iran Deal: <https://carnegieendowment.org/2023/03/30/riyadh-s-motivations-behind-saudi-iran-deal-pub-89421>
- Country.eiu. (2023). Saudi-Iranian deal could de-escalate regional tensions: https://country.eiu.com/article.aspx?articleid=1592871142&Country=Saudi+Arabia&topic=Politics&sub_1
- Davies, D. (2022). The international system and the Syrian civil war: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/00471178221097908>
- Divsallar, A., & Hesham, A. (2023). The Strategic Calculus behind the Saudi-Iranian Agreement:

- <https://www.thecairoreview.com/essays/the-strategic-calculus-behind-the-saudi-iranian-agreement/>
- Gering, T. (2023). Full throttle in neutral: China's new security architecture for the Middle East: <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/full-throttle-in-neutral-chinas-new-security-architecture-for-the-middle-east/>
- Hadzikadunic, E. (2019). Insight 215: Iran–Saudi Ties: Can History Project Their Trajectory?: <https://mei.nus.edu.sg/publication/insight-215-iran-saudi-ties-can-history-project-their-trajectory/>
- Hadzikadunic, E. (2019). Insight 215: Iran–Saudi Ties: Can History Project Their Trajectory?: <https://mei.nus.edu.sg/publication/insight-215-iran-saudi-ties-can-history-project-their-trajectory/>
- Hamzawy, A. (2023). How Do Carnegie Scholars Interpret the Impact of the Saudi-Iranian Deal on Their Area of Interest?: <https://carnegie-mec.org/diwan/89273>
- khamenei. (1398). اخراج آمریکا از منطقه؛ سیاست راهبردی ایران: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44657>
- mehrnews (۱۴۰۱). یخ روابط ایران و عربستان چگونه آب شد؟ www.mehrnews.com/news/5730285/
- Nation. (2015). The strategic depth concept: <https://www.nation.com.pk/16-Oct-2015/the-strategic-depth-concept>
- Sheikh, M. S. (2023). Exploring the Possibility of a Saudi-Iran Alliance: <https://mepc.org/commentary/exploring-possibility-saudi-iran-alliance>